

بررسی و نقد کتاب دستور زبان فرانسه^۱

طهمورث ساجدی*

چکیده

کتاب دستور زبان فرانسه حاصل ترجمه و تدوین محقق است که توانسته اثری در حد یک مرجع آموزشی، برای کسانی که با زبان فرانسه آشنایی دارند، پدید آورد. مترجم مؤلف، که وقوف کامل به موضوع دارد، ترتیب موزونی از فصول تحقیق خویش را ترسیم و، در طول بررسی هریک از آنها، جملات فرانسه را با ترجمه‌های دقیق همراه کرده و اصطلاحات خاص آنها را نیز به‌درستی ارائه داده است. در تمامی موارد، سعی بر این بوده که با جملات ساده منظور را بیان کند. از جمله کوشش‌های او، تأکید بر تلفظ الفبای فرانسه، جنس اسامی، اسامی حرف تعریف، جمع واژگان، افعال بی‌قاعده و افعال باقاعده، اسم مفعول و مطابقت آن بوده است. در بررسی حاضر، تأکید ما بر این است که نشان دهیم، به‌رغم منابع محدود این ترجمه و تحقیق، مترجم مؤلف توانسته دستوری شکیل و مفید فراهم کند و، در آن، با مثال‌های امروزی و توضیحات لازم، مباحث گوناگون دستور زبان فرانسه را برای علاقه‌مندان آن در سطح متوسطه ارائه کند. به‌همین دلیل هم، در ابتدای این بررسی، مبنا را مقایسه جایگاه فعلی این دستور زبان با دستورهای پیشین قرار داده‌ایم تا ارزش واقعی آن معلوم گردد.

کلیدواژه‌ها: دستور زبان فرانسه، دوره متوسطه، تقسیم فصول، ترجمه و تدوین، کیفیت کار، مزیت‌ها، فراگیری آسان.

۱. مقدمه

کسانی که در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی به مطالعه زبان فرانسه و کتاب‌های مربوط به

* استادیار دانشگاه تهران و مرکز پژوهشی زبان خارجی tsadjedi1330@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۴

آن، که در ایران رایج بود، توجه نشان داده‌اند، با اسامی این فرانسویان و آثارشان و نیز با اسامی ایرانیانی که دارای آثاری به زبان فرانسه بودند آشنا هستند و هنوز از آنان یاد می‌کنند. اما، پس از انقلاب، آثار جدیدی در فرانسه و در ایران منتشر شد و در مواردی هم صورت اُفت‌شده آن‌ها در دسترس قرار گرفت. هریک از این آثار رنگ و بوی خود را دارد و هریک از پدیدآوردندگان آن‌ها نیز سعی کرده است کاری بی‌نقص و مفید را به خوانندگان فرانسوی زبان ارائه کند، از جمله دستور زبان فرانسه، ترجمه و تدوین محمدرضا پارسایار که چاپ ششم اثرش، بی‌هیچ تغییری نسبت به چاپ اول و نیز چاپ‌های بعدی، منتشر شده است. از این رو، سیری در آثار پیشین و بررسی آن‌ها می‌تواند مفید فایده باشد تا جایگاه فعلی این چاپ جدید بهتر نشان داده شود.

۲. بررسی و نقد کتاب

از معروف‌ترین کتاب‌های دستور زبان فرانسه، «دستور زبان کلود اوژه» (C. Augé) در سطوح متفاوت، «دستور زبان موژه» (G. Mauger)، به همان روال، و «دستور زبان بونار» (H. Bonnard)، در کنار تاریخ کوچک ادبیات فرانسه، تألیف ژان کالوه (Calvet, 1969)، قبل از اثر مهم لاگارد و میشار (Lagarde et Michard)، لاروس کوچک (Le Petit Larousse) و روبر کوچک (Le Petit Robert)، جزو رایج‌ترین آثار در زمینه آموزش زبان فرانسه تا قبل از انقلاب بودند، که، در آن وقت، تهیه آن‌ها نیز در تهران به راحتی صورت می‌گرفت. «دستور زبان موریس گرویس» (M. Grevisse)، که پارسایار به چاپ سال ۲۰۰۵ آن در «پیش‌گفتار» خود اشاره دارد، قبل از انقلاب هم در دسترس ایرانیان بود و، پس از آن، تا قبل از چاپ اُفتی گرامر زبان فرانسه (سوربن) (Delatour, 1991)، مورد استفاده بود و اکنون نیز چاپ بزرگ ((Le Bon Usage (1975) آن کتابی مرجع است، هرچند که نویسنده آن بلژیکی است. این امر یادآور نکته‌بینی ظریف ارنست رنان (E. Renan) است که، به‌هنگام بررسی متن عربی کتاب سیبویه، در اواخر قرن نوزدهم، متذکر شده بود که نخستین دستور زبان فرانسه را نیز بیگانگان، یعنی انگلیسی‌ها، نوشتند، چون‌که فرانسه تا آن زمان (۱۵۳۰) گرامری که درخور شأن زبان فرانسه باشد در اختیار نداشت.

گرامر زبان فرانسه (سوربن)، که در بالا به آن اشاره شد، به‌دلیل امروزی‌بودن و نیز سعی پدیدآوردندگان آن برای تسهیل درک دستور زبان فرانسه، که اشتها دشاواربودن آن بیگانگان را به فرار از قواعد سخت و گاه پیچیده آن وامی‌دارد، بسیار مفید بوده است و

هنوز هم استقبال از آن قابل توجه است. در طی همین دوره، کتاب‌های دیگری، که در سطوح متفاوت تهیه شده بودند، در تهران اُفتست شدند و از منظر تمرینات گرامری فایده‌بخش بودند.

اما، در ایران، معروف‌ترین کتاب در زمینه دستور زبان فرانسه، سیری کتاب‌های تألیف منوچهر وارسته بود که ایرانیان از طریق آن‌ها با ترجمه اصطلاحات دستور زبان فرانسه مأنوس شدند. اثر جالب مهدی روشن ضمیر در تبریز، مشکلات زبان فرانسه (۱۳۳۷)، نیز که در آن به بررسی همه‌جانبه حروف اضافه در زبان فرانسه پرداخته است، تا مدت‌ها مرجع خوبی بود و اگرچه قدیمی شده، هنوز جایگزین قابل ذکری پیدا نکرده است. مهم‌ترین اثر، پس از آن، کتاب مفصل نشان‌گذاری در زبان فرانسه (۱۳۴۹)، تألیف ابوالقاسم اُمشه‌ای بود که نشان داد زبان فارسی، از این منظر، تا چه حد از دستور زبان فرانسه وام گرفته است. در این دوران، اساتید دیگری هم بودند که به‌طور مستقل یا گروهی آثاری را در سطوح متفاوت پدید آورده و کانون زبان فرانسه را، در کنار ترجمه‌هایی که از این زبان به فارسی انجام گرفت، در ایران این دوره گرم نگاه داشته‌اند.

پارسایار، مترجم و فرهنگ‌نگار با سابقه، در «پیش‌گفتار» کتاب خود، گفته است که، برای آنان که شناخت اندکی از زبان فرانسه دارند و نیز برای آنان که به این زبان تسلط کافی دارند، «این اثر مرجعی است کارآمد برای بررسی دانسته‌هایشان» (دستور زبان فرانسه، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹). بنابراین، هدف نوعی خودآزمایی دوست‌داران زبان فرانسه است که آنان نیز بیش‌تر دانش‌آموزان این زبان در مراکز آموزشی و جهان‌گردان هستند تا دانشجویان مقطع کارشناسی که گرامر آن را در سطوح گوناگون فرامی‌گیرند و امروز هم یکی از جالب توجه‌ترین آن‌ها دستور زبان فارسی معاصر، تألیف ژیلبر لازار، است که از چاپ اول در سال ۱۹۵۷ تاکنون باب جدیدی را در دستور زبان فارسی و تألیف آن در ایران گشوده و سپس مؤلف را به‌سوی روزآمدکردن و چاپ جدید آن در سال ۲۰۰۶ سوق داده است. ترجمه و تدوین پارسایار، در سال ۱۳۸۴، با ترجمه دستور زبان فارسی معاصر لازار در همین سال مصادف شد و، از این‌رو، ذکر آن در چاپ‌های بعدی و در ذیل چهار منبع ممکن نشد. از این تعداد منبع، مترجم از دو کتاب، گرویس و صرف افعال فرانسه، از مجموعه بشرل (Bescherelle, 2004) استفاده کرده است. به این دو کتاب، دستور زبان فرانسه به انگلیسی و نیز فرهنگ روبر کوچک را بایستی افزود. درهرحال، منابع تحقیق مترجم بسیار محدود بوده و، در نتیجه، فهرست مطالب او نیز بیش‌تر در روال کلاسیک این

نوع تألیف و ترجمه‌ها قرار گرفته است. از آنجایی که این منابع به‌طور کلی ارائه شده‌اند، خواننده اثری از آن‌ها به شکل ارجاعات درون‌متنی یا پانویست نمی‌بیند.

در این فهرست، سوای «پیش‌گفتار» و فصول «مفاهیم پایه»، «اسم»، «حرف تعریف»، «صفت»، «ضمیر»، «قید»، «حرف اضافه»، «حرف ربط»، «فعل»، «جمله‌بندی»، «بایستی بخش‌های پی‌افزود، یعنی «صرف افعال بی‌قاعده» و «واژه‌نامهٔ فرانسه - فارسی» را هم ذکر کرد. مترجم در بحث‌های خود، دربارهٔ تلفظ الفبای فرانسه، ذوق به خرج داده و، دربارهٔ تلفظ بعضی از واژگان فرانسه و تشابهات گاه مقایسه‌ای آن‌ها با تلفظ واژگان فارسی، گاهی تلفظ عربی (دستور زبان فرانسه، ۱۳۸۹: ۴) و گاهی تلفظ ترکی (همان: ۵) بعضی از حروف را مثال آورده است. این بخش، که در کتاب *آواشناسی فرانسه* (دیهم و قویمی، ۱۳۷۶) هم آمده است، با پیوند آوایی (همان: ۶) و دیگر ترکیبات حروفی و تلفظ آن‌ها تداوم می‌یابد. توضیحات مترجم دربارهٔ اعداد اصلی، اعداد ترتیبی، کسرها، حساب، کاربرد اعداد برای بیان اندازه، شمارهٔ تلفن، تاریخ، ساعت و غیره، با دقت و ظرافت ارائه شده است، لیکن در هیچ مقطعی از آن صحبتی دربارهٔ «واحد شمارش» (numéral ou numératif) در زبان فرانسه و مقایسهٔ آن با «واحد شمارش» در زبان فارسی نشده است، مثل یک زنجیر فیل، یک تازیانه مار، یک قبضه ریش و غیره.

در مبحث «اسم»، مترجم مؤلف بررسی خود را در دو محور نسبتاً طولانی جنس اسم (همان: ۲۱) و جمع اسامی (همان: ۲۳) متمرکز کرده است. در محور اول، همهٔ اسامی، یعنی انسان، حیوان و شیء، در زبان فرانسه مذکر یا مؤنث است و جنس دستوری آن‌ها نیز تاحدی با دسته‌بندی اسامی مشخص می‌شود. اسامی انسان‌ها و حیوانات نر و ماده دارای حروف تعریف معرفهٔ le و la یا حروف تعریف نکرهٔ un و une است و با املای نسبتاً متفاوت نوشته می‌شود (همان: ۱۹)، مثل un infirmier (یک پرستار مرد) و une infirmière (یک پرستار زن). بعضی از اسامی همراه حرف تعریف نامعین، بسته به این که به مرد یا به زن اطلاق شود، مذکر یا مؤنث می‌شود، مثل un camarade (یک رفیق زن) و un camarade (یک رفیق مرد). و نیز اسامی‌ای وجود دارد که برای مرد و زن یکسان به‌کار می‌رود، مثل un professeur (یک استاد یا معلم)، که لازم است، برای وجه تفاوت بین مرد و زن، گفته شود M. le Professeur (آقای استاد) و Mme. le Professeur (خانم استاد).

اما مواردی هم وجود دارد که می‌توان جنس دستوری اسامی را از طریق جزء نهایی آن‌ها تشخیص داد، مثل age- در آخر کلمهٔ garage (گاراژ) که از فعل garer (در توقف‌گاه

گذاشتن) ساخته می‌شود، و یا افزودن حرف e- به آخر کلمه مذکر، مثل un ami (یک دوست مرد) که به une amie (یک دوست زن) تبدیل می‌شود که البته تغییری در تلفظ صورت نمی‌گیرد، اما مواردی هم وجود دارد که پس از اضافه کردن e- تلفظ هم عوض می‌شود. هم‌چنین جزء -ment که در کلمه parlement (مجلس) وجود دارد و از فعل parler (حرف زدن) ساخته شده است و نیز اشکال دیگری که اجزای نهایی آن‌ها معرف مذکر و مؤنث بودن آن‌هاست (همان: ۲۱). محور دوم، که کمی گسترده‌تر است و فرد در مکالمات روزانه بیش‌تر با آن سروکار دارد، حرف تعریف le به جای la است که معنی کلمه را کلاً عوض می‌کند، مثل de mode، به معنی «وجه دستوری یا دستگاه موسیقی»، و da mode، به معنی «ذوق و سلیقه رایج» (همان: ۲۱) و یا کلماتی که در جمع x می‌گیرند، مثل آتش feu(x)، یا جواهر bijou(x) (همان: ۲۴). واژه‌هایی که جزء نهایی آن‌ها به ...ail و ...al ختم می‌شوند، گاه باقاعده‌اند و گاه بی‌قاعده (همان) و سرانجام این‌که بعضی از اسامی نیز به صورت بی‌قاعده جمع بسته می‌شوند، مثل چشم (œil)، که در جمع (yeux) (همان: ۲۵) می‌شود.

در زبان فرانسه، اسامی حرف تعریف دارند و، از این‌رو، آن‌ها را در سه رده حروف تعریف معرفی (همان: ۲۹)، حروف تعریف بخش‌نما (همان: ۳۲) و حروف تعریف نکره (همان: ۳۳) تقسیم‌بندی کرده‌اند. چون در زبان فارسی حروف تعریف به شکلی که در زبان فرانسه رایج است وجود ندارد، مثل ضمیر «او» در سوم شخص که می‌تواند هم معرف زن باشد و هم معرف مرد، بحث‌های مترجم در این باره جالب است و جملات ارائه‌شده در هر بخش با ترجمه‌های مناسبی همراه شده است و فرد مبتدی می‌تواند از آن‌ها هم در مبحث شفاهی و هم در مبحث کتبی بهره گیرد.

اما بدعت مؤلف مترجم در ترجمه عنوان «حروف تعریف بخش‌نما» (les articles partitifs) است که قبلاً ترجمه آن معرف عنوان آن نبود. از این‌رو، او باصراحت می‌گوید: «حرف تعریف بخش‌نما را می‌توان «مقداری» یا «قدری» ترجمه کرد، اما غالباً در زبان فارسی ترجمه نمی‌شود. در واقع، جنس دستوری و شمار (مفرد و یا جمع بودن) اسم تعیین‌کننده حرف تعریفی است که باید به کار بریم» (همان: ۳۲). البته، یکی از کاربردهای مهم آن در جملات منفی، چه برای مذکر و مؤنث و چه برای مفرد و جمع، استفاده از de (یا 'd) است، مثل:

«غذا/ پول ندارم» Je n'ai de nourriture / d'argent

اما بعد از ne ... que همان صورت‌های اصلی به کار می‌رود:

«او فقط چای / آبجو / آب می‌خورد». Il ne boit que du thé/ de la bière/ de l'eau.

فصل مربوط به «صفت» از مباحثی هم‌چون صفات بیانی، صفات تفضیلی و عالی، صفات اشاره، صفات پرسشی، صفات تعجبی، صفات ملکی و جای صفت (همان: ۳۸-۴۹) تشکیل شده است. در صفات بیانی، مؤلف، پس از توضیح مباحث ساختار مؤنث با حرف e و ساختار جمع با حرف s، به صفات مذکری که به s- یا به x-، یا به au- یا eau- و یا حتی به al- ختم می‌شوند پرداخته و می‌گوید که جزء پایانی al- در جمع به aux- تبدیل می‌شود. اما موارد استثنایی هم‌چون فینال (final) هم وجود دارد (همان: ۳۸) که s می‌گیرد و ما نیز در زبان فارسی شکل غلط مصطلح آن را «فینال نهایی» می‌گوییم.

سواى جزء نهایی با قاعده مؤنث، مثل صفات مذکر مختوم به f-، که در مؤنث به ve- ختم می‌شود یا x-، که در مؤنث به se- ختم می‌شود، صورت‌های بی‌قاعده‌ای هم وجود دارد، مثل doux، faux، vieux، یا eur-، که در مؤنث به euse- ختم می‌شود، مثل travailleur، travailleuse یا صفت مذکر مختوم به teur-، که در مؤنث به teuse- یا به trice- تبدیل می‌شود (همان: ۳۹)؛ یا صفات مذکر مختوم به et- که به دو شکل متفاوت مؤنث، -ette و ète هم وجود دارد، مثل meut که به muette و discret که به discrète تبدیل می‌شود (همان: ۴۱). البته موارد استثنایی مثل mol، fol، bel، nouvel و vieil با ستاره (*) مشخص شده است. از این‌رو، تلفظ صورت مؤنث صفات و اسامی یا تلفظ صورت جمع صفات و اسامی ادامه بحث کوتاه ولیکن مهم این نوع تغییر و تبدیل است (همان: ۴۲). نکته جالب این‌که مؤلف، در بحث صفات تفضیلی و عالی، به بررسی مقایسه‌ای این صفات در زبان فرانسه و زبان فارسی می‌پردازد (همان: ۴۵) و سپس تأکید می‌کند که، اگر بعد از صفت عالی de بیاید، این حرف اضافه معادل کسره فارسی است (همان). نکته دیگری که، در مبحث صفات، نویسنده بدان اشاره می‌کند صفاتی است که قبل یا بعد از اسم می‌آیند و، در نتیجه، معنای آن‌ها تغییر می‌کند، از جمله، واژه brave (همان: ۵۰) که، اگر قبل از اسم بیاید، «خوب و مهربان» و، اگر بعد از اسم بیاید، «شجاع و دلیر» معنی می‌دهد، اما خود واژه به‌تنهایی چه مذکر چه مؤنث، به معنی «بامعرفت» است.

مبحث «ضمیر» تقسیم‌بندی معقولی دارد و شامل است بر ضمائر شخصی، ضمائر مبهم، ضمائر موصولی، ضمائر پرسشی، ضمائر ملکی و ضمائر اشاره (همان: ۵۵-۷۶)، که بیش‌تر در محاورات معمولی مورد استفاده است. مثال‌ها با ترجمه‌ها و توضیحات دستوری همراه

است. در همین مبحث، مؤلف دربارهٔ ضمیر دوم شخص جمع، یعنی vous (شما)، ضمیری که در این زبان و نیز در زبان فارسی برای احترام به فرد هم به کار می‌رود و، در مقابل آن، ضمیر tu (تو) قرار دارد، که طرف خطاب آن می‌تواند بچه یا دوست و آشنا باشد (همان: ۵۵) صحبت کرده است. ضمایر فاعلی سوم شخص و ضمایر مفعولی بی‌واسطه، به‌ویژه de، که ضمیری خشتی هم است، اغلب به فارسی ترجمه نمی‌شود، ولیکن معنی آن، که مستتر است، کاملاً درک می‌شود (همان: ۵۷). ضمایر فاعلی سوم شخص و ضمایر مفعولی بی‌واسطه و جای آن‌ها در جملات نیز بسیار دقیق بررسی شده است (همان: ۵۸).

پس از ارائه نمودار ضمایر منفصل (همان: ۶۰)، از جمله moi (من) و nous (ما)، مؤلف به موارد کاربردی آن‌ها پرداخته و در بحث‌های خود به ce sont و c'est و کلمه تأکیدی même و شکل جمع آن mêmes اشاره کرده و سپس به ضمایر en و y پرداخته است. ضمیر en جانشین حرف اضافهٔ de و اسم بعد از آن می‌شود؛ هم‌چنین بعد از ضمایر مفعولی دیگر هم آورده می‌شود (همان: ۶۳). در ادامه، مؤلف، با مثال‌هایی که ارائه می‌کند، نشان می‌دهد که ضمیر y جانشین حرف اضافهٔ à و اسم بعد از آن و نیز حرف اضافهٔ dans یا sur و اسم پس از آن‌ها می‌شود؛ گاه به معنی «آن‌جا» یا «به آن‌جا» است و حتی بعد از ضمایر مفعولی آورده می‌شود (همان: ۶۴).

«قید»، که در محاورات معمولی هم خیلی رایج است، در این جا و تحت عناوین ساختار قید، جای قید، شکل تطبیقی قیدهای تفضیلی و عالی، و کاربرد قیود (همان: ۸۱-۸۵) ارائه شده است. او معتقد است که حتماً لازم است فرد مبتدی بعضی از قیدهای بی‌قاعده (همان: ۸۲) و قیدهایی را که همراه حرف اضافهٔ de و اسم به کار می‌روند، برای سهولت کار خویش، از بر کند، اما قید و ساختار آن در اشکال مختلفی می‌آید و از این رو، مؤلف تصریح می‌کند که پسوند -ment (مثل finalement)، در زبان فرانسه، مانند پسوند -انه در زبان فارسی، پسوندی قیدساز است (همان: ۸۵) و سپس، در ادامه، مشخص می‌کند که در صفات مذکر مختوم به -ant یا -ent، قید به -amment یا -emment ختم می‌شود، مثل constamment و évidemment (همان: ۸۲). از آنجایی که جای قید در جمله مهم است و گاه فرد مبتدی را دچار اشکال می‌کند، مؤلف خود را موظف می‌بیند که نکاتی را با توضیح و مثال یادآور شود (همان: ۸۳) و سپس به همان منوال به کاربرد قیود بپردازد (همان: ۸۵)، به‌ویژه قیودی که همراه حرف اضافهٔ de و اسم به کار می‌روند و یا قید bien که قبل از حرف تعریف بخش‌نما و اسم می‌آید (همان: ۸۷).

هرچند «حرف اضافه» مبحث کوتاهی را تشکیل می‌دهد، اما مترجم مؤلف در حد امکان کوشش کرده است آن‌ها را جمع‌آوری و مفاهیم و کاربرد هر یک را معرفی کند (همان: ۹۱). البته در عنوان فرانسوی این مبحث اشتباهی رخ داده است و به‌جای *l'emploi des prépositions* (کاربرد حروف اضافه)، نوشته شده *l'emploi des adverbess* (کاربرد قیود) که دقیقاً تکرار مبحث پیشین است (همان: ۸۵). به‌طور خلاصه، در دستور زبان فرانسه، حرف اضافه کلمه‌ای تغییرناپذیر است که عنصری از جمله را به عنصر دیگری ربط می‌دهد، مثل *chez, à, de, pour*.

«حروف ربط»، مثل *si, et, ou* و غیره، مبحث بعدی است که صفحات کمی را به خود اختصاص داده است (همان: ۱۰۲)، اما مثال‌های آن، به‌همراه ترجمه‌ها، معرف ذوق نویسنده است. او در این جا متذکر می‌شود که، بعد از حرف ربط *aussi*، اگر فاعل جمله ضمیر باشد، عمل قلب انجام گرفته و جای فعل و فاعل عوض می‌شود (همان: ۱۰۳، ۱۶۱). این کاربرد مهم ادبی است و در دستور زبان فرانسه (سوربن) (Delatour et al., 1991: 252) نیز این نکته امروزی گرامر فرانسه یادآوری شده است. اصطلاح *toujours est-il que* نیز به‌معنای «با وجود این و معذالک»، شکل ظاهری و فریبندگی *aussi* را دارد. حرف ربط *que* کاربردهای گوناگونی دارد و گاه به معنی «که» و گاه به‌منظور «مقایسه و سنجش» مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما مؤلف می‌گوید، وقتی که جانشین حرف ربط دیگری می‌شود، در فارسی معادلی ندارد (همان: ۱۰۲). لطف این نوع نکته‌بینی‌ها در مقایسه‌ای است که وی بین دو زبان فرانسه و فارسی به عمل می‌آورد و مبتدی را با مفاهیم دستوری دو زبان بیش‌تر آشنا و مأنوس می‌کند.

مترجم مؤلف مبحث مهم و گسترده‌ای را به «فعل» اختصاص داده و، از این‌رو، بدون هیچ تردیدی جدول‌های صرف افعال را در سه گروه آن، یعنی افعال مختوم به *-ir, -er, -re* یا *-ir, -oir* (نشانه‌های مصدری) ارائه کرده است. گروه اول و دوم مشکل‌ساز نیستند و دارای قواعد مشخص و معلوم‌اند و، از این‌رو، آن‌ها را افعال باقاعده می‌نامند، ولیکن گروه سوم دارای افعالی بی‌قاعده‌اند و به‌همین دلیل، مباحث آن به‌طور گسترده مطرح شده‌اند (همان: ۱۱۰). زمان‌های ساده (همان: ۱۰۷)، زمان‌های مرکب (همان: ۱۱۵) و نیز افعال کمکی معروف، داشتن (*avoir*) و بودن (*être*)، و توضیح درباره صرف افعال بی‌قاعده و باقاعده و به‌ویژه افعال بی‌قاعده دارای اسم مفعول بی‌قاعده آورده شده است. مباحث اسم مفعول و مطابقت آن، اسم فاعل و مطابقت آن، افعال دوضمیره و مطابقت

اسم مفعول با آن افعال (همان: ۱۲۰-۱۲۵)، دارای جدول‌هایی مشخص‌اند که با ترجمه فارسی همراه شده‌اند. صرف افعال دوزمیره هم در زمان‌های ساده و زمان‌های مرکب (همان: ۱۲۷، ۱۲۸) در جدول‌ها آمده‌اند. صیغه مجهول در جدولی طولانی با توضیح آمده است (همان: ۱۲۹) و افعال غیر شخصی، وجه امری و وجه مصدری، در اشکال گوناگون آن، بدون حرف اضافه و همراه با حرف اضافه (همان: ۱۳۲-۱۳۶) آمده است. در مباحث وجه التزامی (همان: ۱۳۸)، وجه شرطی (همان: ۱۴۳)، افعال وجه‌نما، که مترجم مؤلف در معرفی آن موفق بوده است و سابقاً «افعال نیمه‌کمکی» (semi-auxiliaires) هم نامیده می‌شدند، کاربرد زبان‌ها (همان: ۱۴۵) و افعال بی‌قاعده (همان: ۱۵۶)، کوشش‌های چشم‌گیری به عمل آمده است.

در فصل «جمله‌بندی»، مترجم مؤلف به مباحثی هم‌چون ترتیب کلمات (همان: ۱۶۱)، جملات منفی (همان: ۱۶۲) و جملات پرسشی (همان: ۱۶۳) پرداخته و جملاتی را به‌همراه ترجمه فارسی آن‌ها ارائه کرده است. «صرف افعال بی‌قاعده» در زمان ساده (همان: ۱۷۱) و «واژه‌نامهٔ فرانسه - فارسی» (همان: ۲۰۰)، که موارد خوبی از آن در طول بحث‌های کتاب هم به‌کار گرفته شده‌اند، بخش «پی‌افزود» کتاب را تشکیل می‌دهند.

۳. نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد، مترجم مؤلف در نحوهٔ ارائه، بررسی و توضیحات، و ترجمهٔ جملات و اصطلاحات اثرش سعی بلیغ مبذول داشته است. اما این حجم از کار به‌هیچ‌وجه برای تدریس در دورهٔ کارشناسی در دانشگاه کافی نیست و، اگر به‌طور کامل تدریس شود، ممکن است صرفاً نیاز یک ترم تحصیلی را برآورده کند و برای تدریس جزئیات ظریف گرامری، در ترم‌های بعدی، به منابع دیگری باید مراجعه کرد. مترجم مؤلف هم ادعایی ندارد جز این‌که بگوید اثرش را برای بررسی دانسته‌های افرادی که آشنایی اندکی یا آشنایی کافی با زبان فرانسه دارند، تهیه و ارائه کرده است. اما او توان علمی آن را دارد که اثری بایسته در سطح دانشگاهی تألیف کند تا نیازهای فعلی دانشجویان را برطرف کند، همان‌طور که برای فرهنگ فرانسه - فارسی سابقه‌دار خویش روش تدوین فرهنگ‌های بزرگ و کوچک را اختیار کرده است. پارسایار، که پارسایی یارش است، کتابش را در نهایت امانت ارائه کرده و از این‌رو، درخور تقدیر است. به گفتهٔ فرانسوی‌ها:

À bon entendeur, salut!

پی‌نوشت

۱. دستور زبان فرانسه (۱۳۸۹). ترجمه و تدوین محمدرضا پارسایار، تهران: فرهنگ معاصر.

منابع

أمشہای، ابوالقاسم (۱۳۴۹). *نشان‌گذاری در زبان فرانسه*، تهران: دانشگاه تهران.
دیهیم، گیتی و مهوش قویمی (۱۳۷۶). *آواشناسی فرانسه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
روشن‌ضمیر، مهدی (۱۳۳۷). *مشکلات زبان فرانسه*، تهران: کتاب‌فروشی تهران.
لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی معاصر*، ترجمه مهستی بحرینی، توضیحات و حواشی هرمنز میلانیان، تهران: هرمس با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
وارسته، منوچهر (۱۳۸۴). *متد فرانسه وارسته (دوره مخصوص)*، تهران: معرفت.

- Calvet, j. (1969). *Petite Histoire de la Littérature Française*, Paris: de Gigord.
- Delatour, Y., D. Jennepin, M. Léon-Dufour, A. Matlé-Yeganeh, & B. Teyssier (1991). *Grammaire du Français: Cours de civilisation française de la Sorbonne*, Paris: Hachette, (éd. de Téhéran, 1378/1999).
- Grevisse, Maurice (1969). *Précis de Grammaire Française*, 28e éd., Belgique, Gembloux.
- Grevisse, Maurice (1975). *Le Bon Usage, Grammaire Française*, 10e éd., J. Duculot (éd.), Belgique, Gembloux.
- Grevisse, Maurice (2006). *Grammaire du Persan Contemporain*, Nouv. éd., avec la Collaboration de Y. Richard, R. Hechmati, & P. Samvelian, Téhéran: IFRI-Farhang Moaser.
- Lagarde, André & Laurent Michard (2010). *Textes et Littérature: Recueil de Morceaux Choisis*, Paris: Bordas (1973), 6 Vol.; dernière édition, 5 Vol.
- Lazard, Gilbert (1957). *Grammaire du Persan Contemporain*, Paris: Klincksieck.
- Mauger, Gaston (1964). *Cours de Langue et de Civilisation Française II*, Paris: Hachette.
- Renan, Ernest, (1884). *کتاب سبویه*, Le Livre de Sibawaihi, Traité de Grammaire Arabe, par Sibouya, dit Sibawaihi, Texte arabe..., Publié par Hartwig Derenbourg, T. I^{er}, Paris, 1881, in *Journal des Savants*.